

مبانی استقلال وکیل و روند حق دفاع در پرتو تحولات تقنینی ایران

نادر دیوسالار* علی نجفی توانا**

(تاریخ دریافت: ۹۸/۶/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۷/۲۱)

چکیده

پیچیده تر شدن روابط اجتماعی و حقوق بشری در عصر کنونی حضور وکیل را برای ایجاد موازنه در امر قضا به یک ضرورت تبدیل کرده است. حضور وکیل مزایای فراوانی را به همراه دارد، از جمله شفافیت دادرسی و اجتناب از اشتباه. یک وکیل در کنار مهارت‌هایی که برای دفاع از موکل نیاز دارد، باید از استقلال و امنیت برخوردار باشد. متأسفانه در حال حاضر وکلاء برای دفاع مؤثر با چالش‌هایی مواجه هستند که به استقلال و امنیت آنها خدشه وارد می‌کند و باعث می‌شود گاه حقوق دفاعی متهم به نحو شایسته‌ای تحقق نیابد. در این میان، وضع قوانین فاقد معیاری چون تبصره اصلاحی ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری علاوه بر تبعیض صنفی، موجب محرومیت متهم از داشتن وکیلی متبحر نیز خواهد شد. صدور پروانه وکالت از جانب قوه قضائیه وضعیت موجود را نه تنها بهبود نداده بلکه حرکتی قهقراپی در جهت تضعیف نهاد مستقل وکالت و خدشه به اجرای عدالت بوده است. بررسی وضعیت عملی نیز نشان می‌دهد که این رویکرد باعث انفکاک نهاد وکالت و قضاوت از یکدیگر گشته و شایسته است که نهاد قضا بر امور قضایی و گسترش عدالت تمرکز داشته باشد و در نهاد مدنی وکالت تنها نظارت بدون دخالت، آن گونه که قوانین مقرر کرده‌اند، داشته باشد.

واژگان کلیدی: حق دفاع، ضرورت حضور وکیل، استقلال نهاد وکالت، تبعیض صنفی وکلاء.

* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق واحد مرکز دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

** استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق واحد مرکز دانشگاه آزاد اسلامی ایران، تهران (نویسنده مسئول):

مقدمه

بشر با اتکاء بر هوش فردی و اجتماعی با ظرافتی خاص در طول تاریخ زندگی خود بدین نتیجه رسید که به منظور انجام بهینه امور باید از توانمندی‌ها و دانش و تجارب ویژه‌ای در هر مورد بهره برد. طبیعتاً این رهیافت تنها به بحث زندگی سخت‌افزای بشر و چگونه زیستن و مبارزه با دشواری‌های طبیعت و ایجاد امنیت منحصر نمی‌شد، بلکه در روابط اجتماعی به ویژه حقوقی، نیاز به تخصص در ایجاد، اجراء و در صورت بروز اختلاف، حل و فصل آن گسترش می‌یافت. روند رو به رشد ابداعات و اختراعات موجب پیچیده‌تر شدن روابط حقوقی گردید، در نتیجه نیاز به تخصصی کردن رسیدگی به حل اختلاف برآمده از این روابط بیش از پیش احساس شد. با توجه به نیاز به دانش و تخصص خاص در طرح و دفاع از مطالبات اصحاب دعوا، به تدریج مردمانی پدید آمدند که نسبت به همگان خود از تخصص بیشتری برخوردار بودند؛ بدین شکل جامعه و کالت در طول تاریخ خودنمایی کرد. تشکیل حکومت‌ها به صورت جدید، تفکیک نهادها، استقلال نهاد قضا، ورود حاکمیت در حل اختلافات، ضرورت توازن بین امر قضا و چگونگی طرح دعوا و دفاع از آن بسترساز ایجاد حرفه‌ای به نام وکالت شدند.

وکیل دادگستری در تمام کشورها به عنوان یکی از دو بال فرشته عدالت تلقی می‌شود، اما در برخی از کشورها که حضور وکیل را مغایر با رویکرد استبدادگراانه در امر قضا می‌بینند، چالش‌ها و مشکلاتی را ایجاد می‌کنند؛ در برخورد با چنین روشی، در اکثر قوانین و اسناد بین المللی نه تنها حضور وکیل و استقلال او یک ضرورت بلکه یک تکلیف برای حاکمیت تلقی شده است.

در کشور ما متأسفانه کسب استقلال نهاد وکالت با چالش‌های فراوانی مواجه شده است. سال‌ها دادگستری ناظر و مدیر و هدایت‌کننده صنف وکالت بود. در زمان نخست‌وزیری مصدق، لایحه‌ای به مجلس برده شد که بعد از کودتا به تصویب رسید. از آن سال به نوعی رقابتی مبارزه‌گونه برای حفظ استقلال و تقویت نهاد وکالت از یک سو و تحدید آن از سوی حاکمیت ادامه داشته است. در اوایل انقلاب اسلامی، نهاد وکالت دوباره تحت نظارت حاکمیت درآمد و

به صورت مختلف مداخله نهادهای عمومی در صنف و کالت افزایش یافت. این رویه به صورت القاء به افکار عمومی برای تخفیف صنف و کالت، تصویب قوانین برای ایجاد نهاد موازی و مهم‌تر از همه مدیریت و شیوه رسیدگی در محاکم، در مجموع توان، استقلال و امنیت دفاع را تا آنجا که ممکن بود تقلیل داد.

ما در این نوشتار ضمن ارائه اطلاعاتی در خصوص حرفه و کالت و چگونگی ایجاد و حفظ یک نهاد مستقل دفاعی سعی در بیان چالش‌های نظری و عملی در عنوان موانع انجام وظایف مطلوب حرفه و کالت داشته و در به این سئوال‌ها پاسخ خواهیم بود که موانع و چالش‌های شغل و کالت در نظام تقنینی ما چگونه هستند و اینکه در عمل، مدیریت نظام قضایی با اعمال سلیقه در رابطه با حضور وکیل در مراجع قضایی موجب چه چالش‌هایی می‌شود و دیگر اینکه نهاد مستقل و کالت علی‌القاعده باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد و موانع موجود و پیش روی آن در کشور ما کدامند؟ با ابتناء بر پاسخ‌های مرتبط به این سئوال‌ات، پیشنهادهای نظری و عملی برای برون رفت از شرایط موجود ارائه خواهند شد.

مباحث این مقاله در دو بخش بیان شده‌اند: در شماره (۱) به بیان مبانی حق دفاع و استقلال وکیل از حیث موازین دادرسی و اسناد بین‌المللی و امتیازات حضور وکیل پرداخته شده و در شماره (۲) با بیان شرایط عینی و عملی حق دفاع و چالش‌ها و محدودیت‌های موجود، سعی در ارائه راهکار شده است.

۱. مبانی استقلال وکیل از حیث موازین دادرسی و اسناد بین‌المللی

۱-۱. مبانی حق دفاع

یکی از اصولی که مورد قبول همه ملل مترقی جهان قرار گرفته و در سده اخیر به ویژه پس از جنگ جهانی دوم مورد توجه خاص حقوقدانان و قانونگذاران و اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی قرار گرفته اصل برائت است. در حقوق اسلام و در مبحث اصول عملیه، اصل برائت در کنار تعزیر، احتیاط و استصحاب، جایگاه خاص خود را داراست. یکی از آثار برائت حق دفاع متهم

است. این حق مجموعه تضمینات قانونی و قضایی در سراسر یک رسیدگی کیفری است تا برای افرادی که متهم به ارتکاب جرم هستند یک تصمیم عادلانه اتخاذ گردد. بنابراین دفاع هم در مرحله دادرسی و هم در دادگاه بسیار بااهمیت است (حسینی، ۱۳۸۰: ۸۳). تاریخ بشر همواره نشان می‌دهد که از هزاران سال پیش حق دفاع و چهره و کیل مدافع و وکالت در حوادث و وقایع و در اداره امور اجتماعی وجود داشته است. حتی از پنج هزار سال قبل در تمدن سومر که وکیل مدافع در دادرسی از متهم دفاع کرده مدارک کتبی به جای مانده است. همچنین، در ایران باستان سخنگویان قانون مشاور مردم در امور قضایی و زبان آنها در دادگاه‌ها بوده‌اند و در ایران بعد از اسلام با استناد به ادله اربعه و مدارک مسلم، درباره جواز و حقانیت وکالت در کتب فقهی به تفصیل یاد شده است.

۱-۱-۱. اجرای عدالت

یکی از مبانی حق دفاع را می‌توان لزوم اجرای عدالت ذکر کرد. شارحین حقوق اسلامی بر این عقیده‌اند که همه مبانی حقوق اسلامی در حقیقت مصادیقی از اجرای اصل عدالت هستند، همانطور که در قرآن آمده است: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید / ۲۵). بدیهی‌ترین طریق اجرای عدالت در مقام داوری بین مردم، که به حکم عقل و نقل ثابت است، لحاظ کردن حق دادخواهی و دفاع برای طرفین دعاوی کیفری و مدنی است. از امام صادق (ع) نقل شده است که حضرت رسول (ص) فرمود: هرگاه بین دو نفر قضاوت کنی، به نفع یکی از طرفین نباید رأی دهی مگر اینکه مدافعات طرف دیگر را استماع کنی (محمد حرّ عاملی، ۱۳۵۹: ۱۵۳). برخی از دانشمندان حقوق اسلامی به موجب دلالت حدیث مذکور گفته‌اند: «صدور حکم از ناحیه حاکم اسلامی بدون استماع مدافعات مدعی علیه جایز نیست و چنانچه حاکم اسلامی عمداً قبل از استماع مدافعات مدعی علیه به نفع مدعی مبادرت به صدور رأی نماید، این حکم از درجه اعتبار ساقط است، زیرا این امر دلالت بر خدشه عدالت حاکم دارد» (مؤذّن زادگان، ۱۳۷۳: ۳۲).

حقوق دفاعی حقوقی است که متهم در فرایند دادرسی برای برقراری محاکمه‌ای عادلانه از آن برخوردار است و رعایت آن توسط دست‌اندرکاران عدالت قضایی الزامی است. این حقوق تا حدود زیادی مترادف با مفهوم دادرسی عادلانه است (زمانزاده بهبهانی، ۱۳۹۲: ۱۳). پس تردیدی نیست که رعایت حقوق دفاعی عدالت را در پی خواهد داشت و اگر از قرآن این را بیاموزیم که «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ آلَا تَعْدِلُوا اَعْدِلُوا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ اِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ: البتّه شما را نباید عداوت گروهی بر آن دارد که از راه عدل بیرون روید، عدالت کنید که از هر عمل به تقوا نزدیک‌تر است» (مائده/ ۸) و همچنین «اِنَّ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ اَتْقٰاكُمْ» (حجرات/ ۱۳)، پس می‌توان گفت کسی که عدالت را اجراء می‌کند کریم‌ترین و عزیزترین فرد نزد خداست (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۱۰۷).

عقل و انصاف حکم می‌کند که با پیچیده‌تر شدن مسائل حقوقی به ویژه در امور کیفری که با آبرو، حیثیت و جان افراد در ارتباط است، متهم بتواند در دفاع از خود که مستلزم آگاهی از قوانین و مسائل قضایی است از وجود وکیل مدافع برخوردار شود. حضور وکیل مدافع موجب قوت قلب متهم و رفع اضطراب وی در پاسخگویی به سؤالات مقامات قضایی می‌شود (رحیمی، ۱۳۹۳: ۱۰۲).

۱-۱-۲. حمایت از اصحاب دعوا

اصولاً انسان‌ها از نوعی آزادی به مفهوم عام آن (آزادی بیان، عقیده، عمل و ...) در اجتماع بهره‌می‌برند که جز در موارد استثنایی، تحدید آن ممنوع است. بدین لحاظ هنگامی که فردی در مظان اتهام به ارتکاب رفتاری مجرمانه قرار می‌گیرد، لاجرم برخی از حقوق مسلم فردی وی به مخاطره می‌افتند. هرچند فرض بی‌گناهی متهم و ضرورت حفظ حرمت و کرامت انسانی او ایجاب می‌کند که در فرایند تحقیقات مقدماتی و محاکمه، از حداقل تضمینات کافی در جهت اثبات بی‌گناهی و براءت خویش برخوردار باشد، عدم آگاهی نسبت به حقوق فردی و اجتماعی چه بسا باعث تضییع سردرگمی و در نهایت محکومیت وی شود. با لحاظ چنین شرایطی و با

هدف جلوگیری از تضییع حقوق افراد، نیاز و ضرورت حضور فردی به عنوان وکیل مدافع در تمام مراحل دادرسی به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی و دادرسی نهایی، از لوازم اجتناب‌ناپذیر یک دادرسی عادلانه در تمام دنیا تلقی می‌شود. اساساً اجراء و اعمال حقوق قانونی و ذاتی افراد مستلزم آگاهی و اطلاع آنهاست. فردی که بر خلاف اصل آزادی، بازداشت می‌گردد، حق دارد به حقوق خود و نحوه برخورداری از آنها آگاه شود. بنابراین، یکی از مهم‌ترین حقوقی که متهم در جریان یک دادرسی عادلانه و منصفانه باید از آن برخوردار باشد حق استفاده از وکیل مدافع است. بر این اساس، امروزه حضور وکیل مدافع در دادرسی و دفاع از حقوق مادی و معنوی موکل، به ویژه متهم، جزء لاینفک و اجتناب‌ناپذیر یک دادرسی منصفانه و عادلانه محسوب می‌شود (نجفی‌توانا، ۱۳۸۵: ۵۲).

۳-۱-۱. رعایت حقوق شهروندی

مفهوم شهروندی از یک سو بیانگر مجموعه‌ای از حقوق و تعهدات جهان‌شمول است که برای تمام اعضاء یک ملت قابل حصولند و از سوی دیگر مستلزم توسعه دموکراسی و مشارکت گروه‌های متنوع فرهنگی در تصمیم‌گیری‌هاست. حقوق شهروندی شامل مجموعه‌ای از حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی برای شهروندان است (پورعزت و قلی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۲). همچنین، حقوق شهروندی را می‌توان مجموعه حقوقی دانست که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی خود دارا می‌شوند و در واقع اطلاقی عام بر مجموعه امتیازات مربوط به شهروندان و نیز مجموعه قواعدی است که بر موقعیت آنان در جامعه حکومت می‌کند. دارنده این حقوق، یعنی شهروند، به یکایک افرادی که در جامعه زندگی می‌کنند اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر، حقوق شهروندی عبارت است از مجموعه حقوق و امتیازاتی که به شهروندان یک کشور با لحاظ کردن دو اصل کرامت انسانی و منع تبعیض تعلق می‌گیرد. ظهور دو اصل کرامت انسانی و منع تبعیض را که از مبانی شکل‌گیری حقوق شهروندی هستند می‌توان به سهولت در حق دسترسی

شهروندان به دادرسی عادلانه و حق دفاع، که از الزامات انکارناپذیر دادرسی عادلانه هستند، مشاهده کرد.

۲-۱. حق دفاع در مقررات

۱-۲-۱. اسناد بین‌المللی

متهم حق دارد به دفاع شخصی از خود بپردازد یا آنکه از وکیل بهره ببرد، حضور وکیل در تمام مراحل دادرسی کیفری حقی اساسی است، این حق در اسناد بین‌المللی تضمین شده است. - **اعلامیه جهانی حقوق بشر؛** این سند در خصوص حق دفاع در محاکم به طور اخص در بند ۱ ماده ۱۱ بیان می‌دارد: «هر شخصی که به بزهکاری متهم شده باشد، بی‌گناه محسوب می‌شود تا هنگامی که در جریان محاکمه‌ای علنی که در آن تمام تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد، مجرم بودن وی به طور قانونی محرز گردد» (UDHR).

- **کنوانسیون ژنو؛** در ماده ۹۶ این کنوانسیون آمده است: «متهم می‌بایست قبل از محاکمه تفهیم اتهام شود و به او فرصت کافی داده شود تا رفتار خود را توضیح دهد و از خود دفاع کند، باید به او اجازه داده شود که گواهان خود را فراخواند و همچنین در صورت لزوم مترجمی در اختیار او قرار گیرد». در ماده ۹۹ کنوانسیون مقرر شده است: «هیچ اسیر جنگی‌ای نباید بدون اینکه فرصت دفاع به او داده شود یا قبل از اینکه از مشاوره یک مشاور حقوقی صاحب صلاحیت بهره جوید، محکوم گردد». در ماده ۱۰۵ کنوانسیون چنین مقرر شده است: «چنانچه متهم، مدافعی انتخاب نکند دولت حامی، یک نفر مدافع برای او تعیین خواهد کرد. به گونه‌ای که حداقل یک هفته قبل از شروع محاکمه فرصت داشته باشد از مشورت با مدافع خود بهره جوید و در صورتی که دولت حامی وجود نداشته باشد دولت بازداشت‌کننده فرد باید با رضایت متهم یک نفر وکیل مدافع برایش تعیین کند» (Geneva Convention).

- **کنوانسیون اروپایی حقوق بشر؛** در بخش «ج» بند ۳ ماده ۶ این سند که از حق برخورداری از محاکمه عادلانه برای افراد صحبت می‌کند، یکی از ارکان محاکمه عادلانه چنین بیان شده

است: «دفاع از خود به وسیله خودش یا از طریق دستیار حقوقی انتخاب شده توسط وی یا در صورتی که قادر به پرداخت هزینه‌های مربوط به استخدام دستیار حقوقی نباشد، دادگاه به اقتضای مصالح اجرای عدالت، دستیار مربوطه را به صورت رایگان در اختیار وی قرار دهد» (Mole, 2003) و (ECHR).

– **میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد**؛ در بخش «ب» بند ۳ ماده ۱۴ این کنوانسیون، از تساوی افراد در برابر دادگاه‌ها صحبت می‌کند و در خصوص متهم تأکید شده است که او باید: «وقت و تسهیلات کافی جهت تهیه دفاعیه خود و گفتگو با وکیل که خود انتخاب کرده است، داشته باشد» (ICCPR).

– کنوانسیون هاوانا و تعیین اصول اساسی نقش و کلاء؛ هشتمین کنگره سازمان ملل متحد برای پیشگیری از جرایم و رفتار با مجرمان در سپتامبر ۱۹۹۰ در کوبا (هاوانا) برگزار گردید و اصول اساسی نقش و کلاء را برای مساعدت دولت‌های عضو در امر ترویج و تضمین صحیح حقوق وکالت و وکلاء تدوین نمود. در بخش اول با عنوان «دسترسی به وکلاء و خدمات حقوقی»، در ارتباط با حق دسترسی افراد به وکلاء و خدمات حقوقی، حق همگان به داشتن وکیل منتخب در تمام مراحل رسیدگی (ماده ۱)، تضمین دولت‌ها به تدارک روش‌ها و ساختارهای کافی و مؤثر برای دسترسی مؤثر و مساوی به وکلاء برای تمام افراد بدون هرگونه تبعیض (ماده ۲)، تضمین دولت‌ها در اختصاص منابع کافی برای ارائه خدمات حقوقی به افراد فقیر و ناتوان (ماده ۳)، ارائه آگاهی‌های عمومی درباره حقوق و تکالیف دولت‌ها و کانون‌های حرفه‌ای وکلاء و ترویج اهمیت نقش وکلاء در حمایت از آزادی‌های اساسی (ماده ۴) اصولی را مقرر داشته است. بخش دوم این سند تضمین‌های خاصی را در مسائل عدالت کیفری پیش‌بینی کرده است، مانند تضمین آگاه‌سازی فوری بازداشت‌شدگان یا متهمان به حق استفاده از وکیل منتخب توسط مقامات ذیصلاح (ماده ۵)، تأمین معاضدت حقوقی مؤثر و استفاده از وکیل با تجربه متناسب با جرم انتسابی، به طور رایگان در موارد مقتضی (ماده ۶)، تضمین دسترسی فوری همه افراد بازداشت‌شده به وکیل، کمتر از ۴۸ ساعت (ماده ۷) و تضمین فرصت کافی برای افراد بازداشتی یا زندانی جهت

ملاقات و مشورت با وکیل به طور محرمانه و بدون تأخیر (ماده ۸). بخش پنجم این سند تضمین هایی را برای فعالیت و کلاء در نظر گرفته است، مانند تضمین ایفای وظایف حرفه ای بدون تهدید و مداخلات ناصحیح و امکان مسافرت و ارائه مشاوره، آزادانه در داخل یا خارج از کشور، به موکلان (ماده ۱۶)، حفاظت کافی از وکلاء در مقابل تهدید به جهت انجام وظایفشان (ماده ۱۷)، تفکیک و کلاء از موکلان و اهداف آنان (ماده ۱۸)، عدم ممانعت از حضور وکیل در جلسه رسیدگی جز در خصوص وکلاء فاقد صلاحیت قانونی (ماده ۱۹)، برخورداری و کلاء از مصونیت مدنی و کیفری برای بیان مطالبشان در انجام وظایف حرفه ای (ماده ۲۰)، دسترسی کافی و مؤثر و کلاء به پرونده و اسناد مربوط در اولین فرصت (ماده ۲۱) و شناسایی و مراعات محرمانه بودن ارتباطات و مشورت های وکلاء و موکلان در محدوده حرفه ای. این موارد از جمله اصولی هستند که دولت ها ملزم به تضمین آنها جهت انجام صحیح فعالیت های حرفه ای و کلاء هستند (ابراهیمی، و بلاگ (pajoohe) (basic principles on the role of lawyers, 1953)

– اساسنامه دیوان کیفری بین المللی؛ دیوان کیفری بین المللی^۱ نخستین مرجع دائمی بین المللی برای رسیدگی به جرایم نسل کشی، جنایات علیه بشریت، جنایت جنگی و تجاوز است که مقرآن در لاهه هلند قرار دارد. در قسمت (d) از بند ۱ ماده ۶۷ این اساسنامه، که حقوق متهم را بیان می کند، مقرر شده است که متهم به منظور انجام امور دفاعی، شخصاً و یا از طریق مشاور حقوقی انتخابی خود در محاکمه حضور یابد و مطلع شود که اگر از مشاوره حقوقی بهره مند نیست، حق دارد از مساعدت مشاور حقوقی که دادگاه در صورت ضرورت و در راستای اجرای عدالت فراهم می کند بهره مند شود، حتی اگر توان مالی برای پرداخت هزینه های مربوطه را نداشته باشد (مؤذن زادگان، ۱۳۷۳: ۱۸۲).

۱-۲-۲. حق دفاع در جوامع دیگر - مطالعه تطبیقی

از دیدگاه حقوق تطبیقی نیز دخالت و کیل در مراحل مختلف دادرسی بااهمیت است. در بسیاری از کشورها مانند بلژیک، آلمان، فرانسه و حتی سوریه به عنوان نمونه‌ای از یک کشور عربی، قاضی مکلف است که قبل از شروع تحقیقات، متهم را از داشتن حق و کیل مطلع سازد و مراتب را در صورت جلسه دادرسی درج کند و در صورت انصراف صریح متهم از استفاده از این حق، شروع به استنطاق نماید. طبق بند ۱۳ ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه: «بازپرس باید متهم را از حق داشتن و کیلی از بین وکلای مجاز یا کارآموزان قضایی، مطلع سازد». در برخی قوانین مانند ماده ۱۳۶ ق.آ.د.ک فرانسه و ماده ۶۳ قانون دادرسی سوریه، حق سکوت متهم را تا انتخاب و کیل مجاز دانسته‌اند. این امر به حدی مهم است که کشورهایی مانند فرانسه، تکلیف بازپرس به اعلام حق داشتن و کیل به متهم به هنگام اولین حضور در بازپرسی، جزء لاینفک حق دفاع محسوب شده و عدم رعایت آن از موجبات بطلان اساس تحقیقات انجام شده است (نجفی توانا، ۱۳۸۵: ۵۴).

در حقوق فرانسه بازپرس مکلف است که ۴۸ ساعت قبل از موعد هر بازجویی، و کیل مدافع متهم را مطلع سازد. و کیل مزبور حق دارد که ۲۴ ساعت قبل از بازجویی پرونده را مطالعه کند و از مفاد آن مطلع گردد. این شیوه متهم را قادر می‌سازد تا از طریق وکیل خود، وقایع را درک کند و در موقع بازجویی از اظهارات خود اتهامی دوریگزیند. ضمانت اجرای تخلف بازپرس از تکلیف مزبور بطلان تحقیقات وی خواهد بود. و کیل حق ملاقات موکل ممنوع‌الملاقات خود را دارد. کلیه قرارهای قضایی بازپرس باید ظرف ۲۴ ساعت با نامه سفارشی به اطلاع و کیل وی برسد. به موجب بند ۱ ماده ۷۰ قانون اصول محاکمات جزائی سوریه، و کیل متهم حق حضور در کلیه مراحل تحقیق (به استثناء جلسه استماع اظهارات گواهان) را خواهد داشت. طبق بند ۱ ماده ۷۱ همان قانون متهم بیش از یک و کیل نمی‌تواند داشته باشد و مطابق بند ۲ همان ماده، و کیل مزبور جز با اجازه بازپرس در اثنای بازجویی حق سخن گفتن ندارد. هرگاه بازپرس اجازه سخن گفتن به او ندهد مراتب در صورت جلسه قید می‌گردد. در این صورت، و کیل حق تقدیم ملاحظات خود

را طی یادداشتی خواهد داشت. طبق بند ۳ ماده ۷۰ همان قانون در موارد فوری و نیز در مواردی که اقدام فوری برای کشف حقیقت لازم باشد، بازپرس می‌تواند در غیاب وکیل متهم، دستور انجام تحقیقات را صادر کند. قرار بازپرس در این مورد قابل تجدیدنظر نیست. ولی او مکلف است که پس از خاتمه تحقیقات افراد ذیربط را از جریان تحقیقات مطلع نماید (مؤدّن‌زادگان، ۱۳۷۳: ۲۰۴).

۳-۱. مزایای حضور وکیل

۱-۳-۱. شفافیت دادرسی

وظیفه وکیل مشخص کردن حقوق موکل و حفظ منافع اوست و با تمام مهارتی که دارد باید در انجام این وظیفه کوشش نماید. این کوشش باید طوری انجام شود که قاضی و هیئت منصفه بتوانند از دفاع و توضیحات او تمام وضع قضایی موکل را درک کنند و از تمام دلایل و حقوق موکل آگاه شوند تا امکان مقایسه وضع حقوقی موکل با وضع حقوقی طرف دیگر فراهم گردد و پس از کشف حقیقت حکم صادر شود (خادم، ۱۳۴۴: ۱۵). همچنین، حضور وکیل در تمام مراحل بازجویی و دادرسی موجب می‌شود که ادعای اعمال شکنجه در تحقیقات و بازجویی قابل توجیه نباشد (نجفی‌توانا، ۱۳۸۵: ۵۷).

۲-۳-۱. داوری عادلانه

وکیل مدافع با آگاهی از قوانین موضوعه و سعی در پیشبرد اهداف قانونگذار و اجرای عدالت، مساعدت قابل توجهی را به سیستم قضایی می‌دهد. وی با جستجوی مقررات قانونی و انطباق صحیح آنها با موضوعات، ضمن کمک به اجرای قانون، زمینه اجرای عدالت را نیز به مفهوم واقعی آن فراهم می‌سازد. اشراف کامل بر قوانین موجود و استناد صحیح به آنها از طرفی باعث تبرئه افراد بی‌گناه می‌گردد و از طرف دیگر موجب شناخته شدن افراد گناهکار و بزهکاران واقعی می‌شود. نتیجه هر دو فرایند مساعدت به اجرای قانون و عدالت است (نجفی‌توانا، علی، ۱۳۸۵: ۱۳۸۵).

۵۶-۵۷). هر گاه و کیلی دفاع از متهم را به این علت رد کند که اتهام وارده را قابل دفاع نمی‌داند و یا اینکه دفاع مؤثر نخواهد افتاد، در این صورت چنین و کیلی وظیفه قاضی را انجام داده و شاید بتوان گفت به اشتباه سنگی در ترازوی عدالت به ضرر متهم گذارده و شاهین عدالت را در جهت مجرمیت متهم کشانده است. به عبارت دیگر، عملی را که قاضی پس از استماع دفاع طرفین انجام می‌دهد، او انجام داده و اظهار نظر قضایی کرده است، در حالی که اصل معروف حمایت از متهم در اینجا رعایت نشده است؛ به موجب این اصل هر گونه تفسیر باید به سود متهم بکار رود نه به ضرر او (قاعده فقهی الحدود تُدرء بالشبهات در فقه اسلامی نیز ناظر به همین اصل است) و این همان اصلی است که قاضی را ملزم به دفاع از متهم کرده و در واقع قاضی در رعایت این اصل وظیفه و کیل مدافع متهم را به عهده دارد. چنانکه در این استدلال ملاحظه می‌شود، حتی قاضی در بعضی موارد از متهم دفاع می‌کند، ولی و کیل در مورد متهم نباید لباس قضاوت را به تن کند (خادم، ۱۳۴۴: ۱۳).

۱-۳-۳. ارتقاء توان قضایی قضات

فردی که به عنوان قاضی بر مسند قضاوت تکیه می‌زند، به عنوان یک انسان هر اندازه که دارای تجربه کاری و دانش حقوقی باشد، با عنایت به تغییر سریع ارزش‌ها و رفتارهای اجتماعی، باز هم دانسته‌های او نیاز به ارتقاء دارد. در روند به روز کردن اطلاعات قضایی، و کلاء در مقام دفاع یکی از محورهای تعیین کننده و مؤثر هستند. و کیل در مقام دفاع از موکل و موضوع و کالت، با مطالعه همه جانبه قوانین و رویه‌ها سعی می‌کند از آخرین داده‌های قضایی استفاده کند و قاضی در مقام تقابل و تعامل به نوبه خود کوشش می‌کند تا با افزایش اطلاعات، توان استنتاج قضایی خود را ارتقاء بخشد و بدین جهت بی‌علت نیست که و کلاء و قضات را دو بال فرشته عدالت نامیده‌اند. مسلم است که نمی‌توان ادعا کرد و کلاء در اجرای وظایف خود عاری از هر عیب و نقص و عالم به تمام فنون و کالت و دانش حقوقی هستند. بر این اساس، در بسیاری از موارد

ضرورت ایجاد می‌کند که وکیل مدافع در تعاملی مستقیم با قاضی، به هدایت علمی و عملی یکدیگر پرداخته و دانسته‌های خود را عنداللزوم در اختیار همدیگر قرار دهند.

۱-۳-۴. اجتناب از اشتباه

وکیل مدافع با نظارت مستمر و دقیق خود بر کیفیت دادرسی، نقش محافظی امین و مجرب را ایفاء می‌کند و با بهره‌گیری از استعداد و دانش حقوقی خویش از انحراف دعوا در جریان دادرسی جلوگیری می‌کند. فرایند دادرسی هدف مستقیمی را تعقیب می‌کند که عدالت نام دارد. هرگونه لغزش و خطایی در این روند آن را از خط مستقیم و در نتیجه از عدالت دور می‌کند. بی‌گمان، در جریان یک دادرسی، احتمال لغزش و خطا، از طرف قضات، اصحاب دعوا و غیره وجود دارد. از این رو، حضور و کیلی کردن، متعهد و قانونمند در روند دادرسی می‌تواند تضمین مناسبی در جلوگیری از انحراف دادرسی تلقی گردد. قطعاً ثمره عملی و مستقیم چنین حضوری پیشگیری از تضییع حقوق اصحاب دعوا و انحراف قضایی است. وکیل مدافع می‌تواند در کنار مقام قضا به مثابه ابزار کنترل و نظارت بر عملکرد دستگاه قضا عمل کند و بدون آنکه کمترین هزینه‌ای بر این دستگاه تحمیل کند، به پیشبرد اهداف آن و تحقق عدالت قضایی کمک کند. این رویکرد در اکثر کشورهای که بر مبنای دموکراسی حرکت می‌کنند، با پیش‌بینی ساز کارهای متعددی به منظور نظارت بر اعمال قدرت قوای حکومتی و انحراف از قانون، کیفیت عملی یافته است، که در این میان نقش تعیین‌کننده‌ای برای جامعه حقوقدانان و وکلای دادگستری به ویژه کانون‌های و کلاء به عنوان نهاد جامعه مدنی در نظر گرفته شده است.

۲. چالش‌های استقلال وکیل در حقوق ایران

ارائه خدمات وکالتی ممکن است در عمل با چالش‌ها و معضلاتی پیچیده مواجه شود، که عدم توجه به آنها، اثرات زیان‌باری را بر پیکره عدالت و دستگاه قضا و نیز امنیت اجتماعی بر جای خواهد گذاشت. با این وصف، برخلاف صراحت اسناد معتبر بین‌المللی، بسیاری از کشورها، آشکارا یا پنهانی حقوق دفاعی متهم را به اشکال مختلف نقض و او را از حداقل تضمینات یک

دادرسی عادلانه محروم می‌کنند. در این مورد می‌توان به اقدام کشور آمریکا در محروم کردن زندانیان گوانتانامو از برخورداری از خدمات و کالتی اشاره کرد.

یکی از مواردی که در بین حقوقدانان بسیار بااهمیت است، امکان حضور و کیل از ابتدای تحقیقات است. طبق تبصره ماده ۱۲۸ قانون آ.د.ک پیشین^۱ و کلاء اختیار چندانی برای دخالت در پرونده نداشتند و حضور و کیل برای متهم، تنها و به صورت محدود، نزد بازپرسان و دادیاران تحقیق پیش‌بینی شده بود و این امر در مرحله کشف جرم (یعنی نزد ضابطان دادگستری) ممکن نبود. پرونده‌ها بدون حضور و کیل منجر به قرار مجرمیت و صدور کیفرخواست می‌شدند و کلاء زمانی می‌توانستند دخالت کنند که پرونده تکمیل شده بود و به دادگاه می‌رفت و اغلب متهمان نیز در آنجا اعلام و اعتراض می‌کردند که حرف‌هایشان تحت فشار بوده است، که این موضوع همیشه محل بحث و مناقشه بود. این در حالی است که تمسک به استانداردهای بین‌المللی از جمله میثاق حقوق مدنی و سیاسی و امکان حضور و کیل از ابتدای بازپرسی و تحقیقات این شبهه را از بین می‌برد، زیرا یکی از حقوق دفاعی متهم حق داشتن و کیل است.

در راستای این ضرورت و همگام با اصول حقوق بشری متهم، ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به متهم اجازه می‌دهد در مرحله تحقیقات یک و کیل دادگستری همراه خود داشته باشد و این حق را قبل از شروع تحقیقات، بازپرس باید به متهم ابلاغ و تفهیم کند و حتی اگر متهم احضار شود این حق باید روی برگه قید و به او ابلاغ شود. مطابق همین ماده، و کیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم می‌داند اظهار کند و اظهارات و کیل نیز در صورت جلسه نوشته می‌شود. تبصره‌های ماده فوق نیز دارای ارزش حقوق بشری پیشرفته‌ای هستند. تبصره ۱ ماده ۱۹۰

۱. ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸: «متهم می‌تواند یک نفر و کیل همراه خود داشته باشد. و کیل متهم می‌تواند بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه تحقیقات مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام نماید. اظهارات و کیل در صورت جلسه منعکس می‌شود. تبصره- در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد و حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و همچنین در خصوص جرائم علیه امنیت کشور حضور و کیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود».

تأکید می‌کند که سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب مجازات انتظامی درجه هشت و سه است. در تبصره ۲ این ماده نیز قید شده است که در جرایمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است، چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید، بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب می‌کند (جاوید، ۱۳۹۶: ۹۲).

با این حال، حق دفاع در قانون آیین دادرسی کیفری جدید هنوز هم با محدودیت‌هایی مواجه است. دو محدودیت عمده‌ای که به آنها اشاره می‌کنیم عبارتند از: یکم، تبصره اصلاحی ماده ۴۸ قانون مذکور که در مواردی متهم را محدود می‌کند که وکیل مدافع خود را تنها از فهرستی از وکلاء که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه هستند انتخاب کند. نگاشتن چنین مقرره‌ای عجیب و در عین حال خلاف روح آزادی حق دفاع است، که در بخش بعدی بدان پرداخته‌ایم. دوم، محدود کردن متهم یا وکیل مدافع او در دسترسی به پرونده است که با تشخیص قاضی صورت می‌گیرد، با شرایطی که در ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری بدان اشاره کرده است.

۲-۱. قوانین مبهم

بر پایه ماده ۴۸ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم حق دارد تقاضای حضور وکیل نماید و مطابق ماده ۱۹۰ همان قانون، این حق باید قبل از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. عدم تفهیم این حق در قانون جدید ضمانت اجرایی ندارد و این مسئله را می‌توان از جمله مواردی دانست که لطمه اساسی به حقوق و منافع متهم وارد می‌سازد. این پرسش درباره ماده ۴۸ مطرح است که آیا آگاه کردن شخص تحت نظر از این حق و دعوت وکیل وی کافیست؟ و ضابطان می‌توانند قبل از رسیدن وکیل، بازجویی خود را آغاز کنند؟ ضابطان بر اساس این ماده فقط مکلف به تماس با وکیل شخص تحت نظرند ولی تکلیفی در مورد نتیجه این تماس یعنی حضور یا عدم حضور وکیل در این ماده بیان نشده است، زیرا وکیل گاه امکان مراجعه به کلانتری را ندارد و گاه تمایل به این کار ندارد (جاوید، ۱۳۹۶: ۱۰۲).

۲-۲. قوانین فاقد معیار

مروری بر قوانین و مصوبات فعلی حاکی از آن است که برخی از مقررات نه تنها به متهم جهت فراهم شدن زمینه دفاعی مناسب کمکی نمی‌کنند، بلکه در عمل موجب تضییع حقوق وی می‌شوند. مواردی از این قوانین فاقد معیار و اثرات آنها را در اینجا بیان می‌کنیم:

یکم) استقلال و کیل مدافع تضمینی مهم برای دفاع از حقوق متهم به شمار می‌آید. اگر مقدرات و کیل مدافع در دست مرجع قضایی یا دادستان باشد، به نحوی که دستگاه قضایی بتواند وی را به راحتی تحت فشار قرار دهد یا کنترل کند و سرنوشت پرونده را به نحو مطلوب خود رقم بزند، قربانی اصلی این فرایند متهم خواهد بود. متأسفانه دارندگان پروانه مشاوره حقوقی و وکالت قوه قضائیه (مشمولین ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه) با این مشکل جدی روبرو هستند، زیرا مقام مجوز دهنده وکالت به ایشان قوه قضائیه است، یعنی نهادی که مسئول تعقیب و مجازات مرتکبان جرایم در جامعه است. حال، خود این نهاد افرادی را تعیین می‌کند که به دفاع از این متهمان بپردازند. حتی اگر فرض را بر صحت و سلامت امور و مبرا بودن مبادی ذریط از انحرافات همچون اعمال فشار، تهدید، تطمیع و... بگذاریم، باز این عده از مشاوران و وکلاء حقوقی همواره در مظان این اتهام هستند که در نحوه دفاع از موکل خود آزاد نبوده‌اند و موظفند طبق سلیقه مقام صادرکننده مجوز وکالت، که همان مقام مختار به ابطال آن است، عمل کنند؛ این خود دلیلی بر عدم بی‌طرفی و کیل و نقض غرضی از معاضدت قضایی وی در دعاوی است. با این توضیح، ماده ۱۸۷ مربوط به موضوع مشاوران قضایی را باید از قوانین صریح ضد دفاعی نامید.

دوم) تبصره اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴ ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری بیان داشته است که در جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرایم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول ماده ۳۰۲ قانون مذکور باشد، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوا باید وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشند انتخاب کنند. اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می‌شود. اعطای این اختیار به ریاست قوه قضائیه و در عین حال تعیین عده‌ای خاص به عنوان وکلای مورد تأیید با ایرادات قانونی، شرعی و عرفی

متعددی روبروست. قطع نظر از اشتباه کمیسیون قضایی مجلس در اینکه بر خلاف اصل ۳۵ قانون اساسی مبادرت به تصویب چنین مقرره‌ای نموده است و اقدام شورای نگهبان نیز به نظر با پیام اصلی قانون اساسی و حقوق شهروندی در تناقض است، اشکال عمده این قانون عدم تعیین معیار تعیین و تأیید و کلاهی مورد اعتماد ریاست قوه قضائیه است. اعطای حق تأیید و کلاهی صاحب صلاحیت به رئیس قوه قضائیه نوعی نقض استقلال قوا و تنفیذ اختیار قانونگذاری است که در طبیعت و ذات قوه مقننه قرار دارد و امری که دارای طبیعت تقنینی باشد قابل واگذاری به هیچ نهادی نمی‌تواند باشد و در نتیجه موجب نوعی تداخل بین وظایف دو قوه تلقی خواهد شد. و کلاهی که مطابق تبصره ماده ۴۸ از سوی رئیس قوه قضائیه انتخاب می‌شوند ممکن است در دفاع شهادت لازم را نشان ندهند، زیرا در نفس و ذات دفاع در پرونده‌های کیفری نوعی مبارزه در مقابل قرار مجرمیت و کیفرخواست و احکام صادره وجود دارد که اگر وکیل آن گونه که باید، با شهادت و جسارت اقدام نکند، یک بال فرشته عدالت شکسته خواهد شد.

سوم) در ماده ۲۱۲ قانون پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ آمده است: «قوه قضائیه موظف است با رعایت سیاست‌های کلی نظام در امور قضایی لایحه جامع و کالت و مشاوره حقوقی را در طول سال اول برنامه، تهیه و از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید». لایحه جامع و کالت که موقتاً جریان آن متوقف شده است تمام حقوق و اختیارات کانون و کلاء را در طبق اخلاص گذاشته و به مقامات قضایی دادگستری تقدیم کرده است و اجرای آن می‌تواند کانون و کلاء را تنها به شعبه‌ای از نهاد قوه قضائیه تبدیل کند.

چهارم) محدود کردن دسترسی به پرونده برای اصحاب دعوا در تبصره ۱ ماده ۱۰۰ و همچنین ماده ۱۹۱ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، یکی دیگر از قوانین تصویب شده بر خلاف آزادی حق دفاع و دادرسی منصفانه است. تبصره ۱ ماده ۱۰۰ قانون آ.د.ک بیان می‌دارد: «در صورت درخواست شاکی، چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده را منافی با ضرورت کشف حقیقت بداند، با ذکر دلیل، قرار رد درخواست را صادر می‌کند». همچنین، ماده ۱۹۱ همان قانون بیان داشته است: «چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به

تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بدانند، یا موضوع از جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آنها را صادر می‌کند». مشاهده می‌کنیم که بازپرس می‌تواند بر اساس تشخیص خود و بر مبنای معیاری که به صورت کلی بیان شده، در دسترسی به پرونده برای اصحاب دعوا یا وکلاء آنها ایجاد مانع کند، در حالی که بیان این معیارهای کلی و نامشخص که حق دفاع را برای متهم و وکیل او محدود می‌کند با انصاف و عدالت سازگار نیست.

۲-۳. تصمیمات مدیریتی

قانون آیین دادرسی کیفری در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۴ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در ۲۶ اسفند همان سال به تأیید شورای نگهبان رسید و در اول اردیبهشت ۱۳۹۳ از سوی رییس جمهوری برای اجراء ابلاغ شد، که تنها به دلیل آماده نبودن امکانات و شرایط، اجرای آن به تیر ۱۳۹۴ موکول شد. در قانون مذکور به این ضرورت حقوق بشری اشاره شده بود که در تحقیقات مقدماتی، وکیل اجازه حضور در کنار متهم را دارد و در تبصره یک ماده ۱۹۰ این ضمانت اجراء پیش‌بینی شده بود که اگر بازپرس از حضور وکیل ممانعت کرد، تحقیقات انجام شده باطل می‌شود، اما در اصلاحیه‌ای که در ۱۳۹۴/۳/۲۴ قبل از اجرایی شدن قانون مذکور صورت گرفت، در کمال ناباوری این ضمانت اجراء لغو شد. حتی بر اساس اصلاحیه‌ای دیگر برای تبصره یک ماده ۴۸ قانون مذکور، در مواردی خاص وکلایی اجازه حضور در کنار متهم را دارند که مورد تأیید قوه قضائیه باشند. این اصلاحات اغلب بر خلاف آرمان‌های اساسی حقوق شهروندی هستند، در حالی که لایحه‌ای که پیشتر به مجلس ارائه شده بود در این موارد خاص مطابق مشورت و اجماع دانشمندان حقوق کیفری و تا حدودی مطابق استانداردهای جهانی بود. نظر به اینکه اصلاحات این قانون ناقض آرمان‌های عالی بین‌المللی نظام است، در اینجا سؤالی پیش می‌آید که چرا قانونگذار قانونی را که هنوز اجراء نشده و به تجربه عملی نرسیده بود به یکباره اصلاح کرد؟ (حاج محمود عطار، ۱۳۹۴).

۲-۴. موانع قضایی

بی‌گمان از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین چالش‌های نظام قضایی فعلی، فقدان تعامل دستگاه قضا با متصدیان دفاع است. متأسفانه ذهنیت دستگاه قضا نسبت به امر دفاع تا حدی منفی است، که گاهی اوقات قضات از حضور عادی و کلای مدافع به شدت جلوگیری می‌کنند. شاید احساس تقابلی که در جریان مبارزه شاکی و متهم و تلاش و کلای مدافع طرفین برای اثبات گفته‌های خود به قاضی رسیدگی‌کننده دست می‌دهد، او را بر آن دارد تا با اتخاذ موضعی کاملاً خصمانه و غیر منطقی و با این تصور که وکیل متهم در صدد وارونه جلوه دادن حقیقت و اطاله دادرسی یا انحراف آن از جریان طبیعی است، متهم را از داشتن حداقل تضمینات دفاعی محروم سازد. این طرز تفکر و نگرش منفی در عمل آثار زیانباری را هم بر دستگاه قضا و هم کانون و کلاء وارد ساخته است (نجفی‌توانا، ۱۳۸۵: ۶۵).

۲-۵. محدودیت حق دفاع برای موکل

در پرونده‌های مهم که تصمیمات مربوط به موضوعات آن متضمن سلب حیات، سلب آزادی و مجازات‌های سنگین خواهد بود و کلایی باید مداخله داشته باشند که دارای تجربه و توانمندی خاصی باشند. با عنایت به بُعد کیفری موضوعات معمولاً این وکلاء در حالت عادی توسط موکلین، با توجه به توان تخصصی و سابقه کار انتخاب می‌گردند؛ محدود کردن انتخاب آنان از میان وکلای معدود (آن گونه که در تبصره اصلاحی ماده ۴۸ قانون آ.د.ک تعیین شده) - که دیده شده است این دسته از وکلاء گاه فاقد تخصص کیفری بوده‌اند و یا در حالت عادی در چنین پرونده‌هایی ورود نمی‌کنند - در عمل موجب تضییع حقوق موکل خواهد شد. ضمن آنکه برآیند چنین مشارکت دفاعی غیر تخصصی با عنایت به احساس احتمالی عدم امنیت در صورت ابراز جسارت و شهادت دفاعی، موجب صدور احکام نه چندان قوی خواهد شد. حضور وکلای توانمند و صاحب تجربه موجب ارتقای توان قضایی و غنای شکلی و ماهیتی تصمیمات قضایی خواهد شد. اجبار موکلین به انتخاب وکیل از میان وکلای معدود در حقیقت سلب حقوق

شهروندی، حقوق اساسی و قانونی آنان است و اصولاً قراردادهای منعقدۀ و کالتامه‌های تنظیمی با تحمیل نوعی اجبار غیرمستقیم، که در حقیقت سلب آزادی اراده و انتخاب و کیل توسط موکل است، منعقد خواهد شد.

۲-۶. فقدان امنیت برای وکیل، حین و بعد از دفاع

مشکل دیگری که می‌تواند گریبان‌گیر جامعه و کلاء و حتی قضات دادگستری باشد بحث تأمین امنیت شغلی است. البته رویکرد ما در این خصوص بیشتر جنبه دفاعی قضیه را دربر می‌گیرد و آن مربوط به زمانی است که وکیل دعاوی در جلسه دادرسی حضور به هم رسانیده و در صدد دفاع از حقوق موکل خود برمی‌آید. در چنین وضعیتی وکیل نباید دچار نوعی احساس نگرانی و اضطراب در مورد موقعیت شغلی و حرفه‌ای خود باشد و آن را در معرض تهدید و مخاطره ببیند. تصور اینکه مقام قضا ممکن است هر لحظه فرصت و مجال دفاع مناسب را از وکیل بگیرد، وی را در چنان وضعیتی متزلزلی قرار می‌دهد که امکان دفاع عادی و توأم با آرامش به شدت از او سلب می‌شود. وکیل باید قطع نظر از نحوه دعوا، هویت و شخصیت اصحاب دعوا و نوع اتهامات، احساس امنیت کند و نگران اعتراض و تعقیب و مجازات بعدی چنین اقداماتی نباشد. طبیعتاً با توجه به تساوی شأن و موقعیت و کلاء مدافع در کنار قضات، تضمین امنیت دفاع ضروری خواهد بود. فراموش نکنیم تضمین امنیت حق دفاع یکی از سازکارهای تحقق عدالت کیفری است و چنین تضمینی ایجاب می‌کند که قانون موجب بی‌مهری و تبعیض یا نقض و اعمال غرض قرار نگیرد، در غیر این صورت ممکن است هیچ‌کسی در امان نباشد. عدالت‌پروری و قانونگرایی شاید امری هزینه‌بر باشد، ولی قطعاً از ورود خسارت بیشتر جلوگیری خواهد کرد.

به دلایلی که گفته شد، در قوانین اکثر کشورها مصونیت‌هایی برای وکلاء وضع شده است. در حقوق فرانسه به استناد ماده ۳۱ قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ اصحاب دعوا و وکلای آنان نسبت به هر گونه مداخله یا سخنرانی و نیز تقدیم لوایح در طول رسیدگی از مصونیت برخوردارند. با این همه، این مصونیت تحریک و تشویق به ارتکاب جرم را دربر نمی‌گیرد. همچنین اصحاب دعوا

یا وکلای آنان نباید از موضوع خارج شوند و رسیدگی را وسیله‌ای برای ایراد توهین به طرف مقابل قرار دهند. در صورت عدم رعایت این مقررات، دادگاهی که به اصل دعوا رسیدگی می‌کند نسبت به خسارت مورد مطالبه طرف دیگر نیز رسیدگی خواهد کرد و وکیل مدافع خاطی نیز ممکن است برای بار اول تا ۲ ماه و در صورت تکرار تا ۶ ماه از شغل وکالت معلق شود. ماده ۷۹ قانون وکالت لبنان مقرر داشته است تعقیب وکیل در مورد جرایم غیر مشهود که به سبب انجام وظیفه وکالت صورت می‌گیرد منوط به صدور قراری از کانون وکلاست و کانون مربوط باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ درخواست قرار، اقدام کند و گرنه تعقیب صورت خواهد گرفت (زراعت، ۱۳۸۳: ۱۰۸).

اما در قوانین ایران چنین صراحتی وجود ندارد. در ماده ۲۰ قانون استقلال کانون وکلاء چنین پیش‌بینی شده است: «هرکس نسبت به وکیل دادگستری در حین انجام وظیفه وکالتی یا به سبب آن توهین نماید به حبس تأدیبی از پانزده روز الی سه ماه محکوم خواهد گردید». این قانون تنها به حمایت از وکلاء در حین انجام وظیفه پرداخته و به مصونیت آنها توجهی نداشته است. پس از انقلاب اسلامی نیز قانونی که صراحتاً مصونیت وکلاء را پیش‌بینی کند وضع نشد. اما یکی از مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام تا حدی می‌تواند این کمبود را پر کند. بر اساس تبصره ۳ مصوبه مجمع مذکور در خصوص انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا مورخ ۱۳۷۰/۷/۱۱ «وکیل در موضع دفاع، از احترام و تأمینات شاغلین شغل قضا برخوردار است». بر اساس این مصوبه می‌توان مصونیتی مشابه مصونیت قضات را برای وکلاء در مقام دفاع در نظر گرفت. از این نظر اگر مصوبه اخیر را با اصل ۱۶۴ قانون اساسی مقایسه کنیم بدین نتیجه خواهیم رسید که وکلاء نیز بدون محاکمه یا ثبوت جرم یا تخلف موجب انفصال، از مقام خود به طور دائم یا موقت قابل عزل نیستند و می‌توانند با استقلال و آزادی کامل در دفاع از موکلین خود بیاناتی را اظهار کنند. حال، چنانچه این بیانات یا اظهارات متضمن توهین یا افتراء به کسی باشند، موضوع نه از طریق مراجع قضایی عادی بلکه از طریق دادسرای انتظامی وکلاء پیگیری خواهد شد. بنابراین، وکیل هم در حین دفاع و هم بعد از دفاع به دلیل انجام وظیفه خود قابل تعقیب کیفری و توقیف

نخواهد بود. باید توجه داشت که چنانچه بیانات و نوشته‌های وکیل خارج از موضوع و کالت و موجب اهانت و افتراء به دیگران باشد، مصونیت فوق شامل حال وی نمی‌شود و همچنین در صورت ارتکاب جرایم و سایر تخلفات، وکیل همانند سایر افراد عادی در محاکم عمومی قابل محاکمه خواهد بود. در خاتمه به نظر می‌رسد که برای تأمین امنیت قضایی، تحکیم استقلال و آزادی و کلاء در موضع دفاع وجود نوعی مصونیت برای آنان لازم است. در این زمینه، تبصره ۳ قانون انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، می‌تواند تا حد زیادی این نیاز را برطرف کند (توسلی نایینی، ۱۳۸۵: ۱۰۴).

۷-۲. اعمال تبعیض صنفی

اختیاری که تبصره یک اصلاحی ماده ۴۸ ق.آ.د.ک به رئیس قوه قضائیه داده است باعث تعیین و کلائی می‌شود که با استفاده از این شرایط از رانت برخوردار خواهند شد، این در حالی است که ممکن است شرایط عمومی و کلائی که مورد اعتماد و تعیین قرار نمی‌گیرند در نزد مردم و افراد خانواده مورد تردید و تشکیک واقع شود. در حقیقت، اعتبار بخشیدن به تعدادی و کلائی خاص به معنای عدم وجود شرایط در نزد و کلائی دیگر تعبیر می‌شود. همچنین، با توجه به برابری مردم در مقابل قانون اساسی و احراز شرایط برای صدور پروانه و کالت برای و کلاء، این اقدام به منزله سلب حقوق اساسی مردم و ایجاد حقوق برای عده‌ای دیگر برخلاف قانون خواهد بود.

وکیل در طول سال‌ها فعالیت، اعتبار حرفه‌ای کسب می‌کند. در چهارچوب قوانین بین‌المللی و داخلی مجموعه امتیازات یک وکیل از جمله شرایط پیش گفته، موجب جلب ارباب رجوع به شخص وکیل خواهد شد. در تاریخ و کالت هر کشور، معیارهایی برای پذیرش و کالت، تعیین حق‌الوکاله و حتی محلّ مراجعه وکیل برای دفاع از موکلش مشخص شده است. بنابراین، با مجموع این عوامل و امتیازات، وکیل هم قبول و کالت می‌کند و هم اشتغال ایجاد می‌کند و هم کسب درآمد. به عبارت دیگر، میزان مراجعه به وکیل و درآمد وکیل متناسب است با سوابقش، شهرت و فعالیت‌های صنفی‌اش، که این مجموعه باعث مراجعه افراد به شخص وکیل خواهد

شد؛ این امر به عنوان یک حق طبیعی و به عنوان یک حق صنفی، هم دارای ضمانت اجرای قانونی است و هم ضمانت اجرای قانون اساسی، یعنی در پیمان ملی این حقوق صنفی به عنوان یک حق کسب و پیشه شناخته شده است. بنابراین، یک وکیل مشهور یا یک پزشک مشهور را نمی‌شود مجبور کرد مثل یک وکیل یا یک پزشک تازه کار مبادرت به پذیرش ارباب رجوع یا تعیین حق‌الوکاله و مشاوره کند.

آیین‌نامه‌های اکثر کشورهای دنیا از جمله کشور ما هم این مدارج را به عنوان یک نوع معیار پذیرش و کالت و حق‌الوکاله دانسته‌اند. هر نوع قانون یا دستورالعمل یا بخشنامه‌ای که این امتیازات را محدود کند خلاف قانون اساسی، خلاف حقوق شهروندی و خلاف حقوق صنفی تلقی می‌شود.

متأسفانه تبصره اصلاحی ماده ۴۸ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ با دو اشکال عمده مواجه است: نخست اینکه فاقد معیار است و دوم اینکه در تعیین اشخاص اعمال سلیقه مطرح شده و این اعمال سلیقه موجب شده است که بسیاری از وکلای صاحب نام کشور فقط به دلیل آزادگی و توانمندی و به دلیل اینکه سعی کرده‌اند استقلال نهاد و کالت و استقلال وکیل را حفظ کنند از گردونه رقابت صنفی دور شوند و در عمل حقوق اساسی آنها سلب شود، قطع نظر از اینکه سلب حقوق اساسی طبق ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ باعث تعقیب شخص سالب حقوق خواهد شد. چون ریاست قوه قضائیه باید روشن می‌کرد که چگونه و بر چه اساسی حق را از صاحبان حق گرفته است، و کلائی که موکلین به آنها مراجعه می‌کنند و آنها بدین دلیل که در فهرست نیستند نمی‌توانند قبول و کالت کنند، این نوعی اعمال تبعیض و سلب حقوق صنفی است. و کلائی که در این فهرست قرار می‌گیرند معلوم نیست که بر چه اساسی انتخاب شده‌اند و هیچ گونه امتیازی نسبت به وکلای دیگر ندارند. گاه از لحاظ تخصص نسبت به بسیاری از وکلای کشور در مرتبه پایین تری قرار دارند ولی به صرف اینکه قاضی دادگستری یا جزء مسئولین بوده‌اند یا روابطی داشته‌اند انتخاب شده‌اند و هیچ آزمون و گزینشی برای اینها انجام نشده است. چگونه می‌توان پذیرفت که خیل عظیم متهمان به فساد مالی بدین وکلاء مراجعه کنند. در نهایت رانتی

برای آنها ایجاد شده است که فاقد مبنا و قانون است. این اعمال امتیاز و ایجاد حق جدید برای افرادی که هیچگونه ویژگی مشخصی نسبت به دیگر و کلاء ندارند، رانت تلقی می‌شود و خلاف قانون اساسی است.

خوشبختانه در زمان ریاست آقای لاریجانی بر قوه قضائیه، در نشستی با اعضاء هیئت مدیره کانون و کلاء، ایشان بیان کردند که شخصاً با تبصره اصلاحی ماده ۴۸ ق.آ.د.ک. موافق نیستند و بانی و مبدع آن نبوده‌اند. بر همین اساس، رئیس کانون و کلاء وقت طبق مکاتبه‌ای از ایشان تقاضای انجام تشریفات لازم جهت حذف تبصره ماده ۴۸ را به عمل آوردند که بنا به دلایل مبهمی در آن زمان این درخواست جامعه و کلاء جامعه عمل به خود نپوشانید و وضعیت به گونه‌ای شد که در اواخر دوره آقای لاریجانی، ارائه یک فهرست بسیار محدود بستر را فراهم کرد که این نوع اعمال تبعیض و رانت و سلب حق برای و کلاء به وجود آید. همچنین، با آغاز دوره ریاست رئیس جدید قوه قضائیه، خوشبختانه گفتمان رسمی ایشان نیز به گونه‌ای در راستای غیر قابل قبول بودن و حذف این تبصره بوده است و حتی در نشستی که با رؤسای کانون و کلاء و جمعی از حقوقدانان برجسته کشور داشتند، موضوع حذف تبصره ماده ۴۸ ق.آ.د.ک. را مطرح کردند. اخیراً هم این موضوع در مجلس شورای اسلامی مطرح شده است که تشریفات مربوط به حذف آن در شرف انجام است. متأسفانه در طرح اصلاح ماده ۴۸ که هم‌اکنون به عنوان طرح حذف تبصره ۴۸ مورد بررسی است بحث ممنوعیت بیست روزه در بعضی از پرونده‌ها برای ورود وکیل و مطالعه پرونده و دفاع از موکل مطرح شده است؛ شگفت اینکه این بیست روز با قرار مقام قضایی قابل افزایش است.

فراموش نکنیم که علت تغییر تبصره ماده ۴۸ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ در ابتدا و اصلاح این تبصره در سال ۱۳۹۴ این بوده است که در تبصره سابق ماده مذکور، بحث مربوط به ممنوعیت یک هفته‌ای ورود وکیل برای دفاع از متهم مطرح شده بود که به علت مخالفت شورای نگهبان حذف شد و در سال ۱۳۹۴ تبصره اصلاحی مربوط به تعیین وکلای خاص مطرح شد و در نهایت به تصویب شورای نگهبان رسید. امیدواریم در ادامه مسیر تقنینی، مواجه با تصویب تبصره‌ای

نشویم که نه تنها موجب سلب حق دفاع برای وکیل و سلب حق انتخاب وکیل برای موکل خواهد بود، بلکه در عمل محرومیت از حق دفاع و جلوگیری از دادرسی عادلانه و منصفانه را به همراه خواهد داشت.

یکی دیگر از مواردی که موجبات تبعیض صنفی را فراهم آورده است استجازه‌ای بود که توسط آقای لاریجانی، رئیس وقت قوه قضائیه، در مردادماه سال ۱۳۹۷ برای انجام اقدامات ویژه جهت تسریع در برخورد با اخلاط‌الگران نظام اقتصادی از مقام رهبری به عمل آمد. در بند پنجم این استجازه مفاد تبصره ماده ۴۸ ق.آ.د.ک در خصوص وکیل، به دادگاه‌های ویژه جرایم کلان اقتصادی نیز تسری داده شده بود. تبصره مذکور حق متهم در انتخاب وکیل را در مرحله دادرسی محدود به یک فهرست از پیش تعیین شده می‌کرد؛ با این استجازه این محدودیت از مرحله دادرسی به مرحله دادرسی رسید و به طور مشخص در دادگاه ویژه جرایم اقتصادی هم قابل اعمال گردید و این جز حرکتی قهقرایی در مسیر آزادی حق دفاع و سلب آن برای متهم نبوده است. خوشبختانه در استجازه دوم که در شهریور ۱۳۹۹ در جهت تمدید استجازه اول توسط آقای رئیسی، ریاست قوه قضائیه، از مقام رهبری صورت گرفت، رویکرد متفاوتی رقم خورد که بر اساس آن بند پنجم استجازه قبلی در خصوص تسری مفاد تبصره ماده ۴۸ به مرحله دادرسی حذف گردید، بدین معنا که متهمان در این دادگاه‌های ویژه محدودیتی برای انتخاب وکیل از میان کلیه وکلاء نخواهند داشت. البته این ایراد اساسی همچنان باقی است که اگر در جایی رئیس قوه قضائیه تشخیص داد که تشکیلات قضایی در مواجهه با مسئله‌ای کارآمدی لازم را ندارد، به جای تمسک به استجازه و هزینه از مقامات بالای کشوری، به راهکار متعارف و قانونی آن، یعنی تقدیم لایحه به مجلس یا بسترسازی برای ارائه پیشنهاد طرح جهت اصلاح قانون تمسک نمایند.

نتیجه

پدیده جهانی شدن به دلیل اثراتی که در ایجاد مشابهت‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حتی قضایی دارد زمینه‌هایی را به وجود آورده که با ابتناء بر آن کنش‌ها و واکنش‌های

هنجاری در روابط انسان‌ها از نوعی همسانی برخوردار است. در چنین شرایطی به منظور استقرار عدالت قضایی، قطع نظر از ضرورت پذیرش و اعمال یک سیاست تقنینی که ضمن تنظیم روابط افراد با ارائه رویکردهای معقول و منطقی از جهت پیشگیری از بروز اختلاف و تخلف جرم، ظرفیت مناسبی برای حل و فصل اختلافات و مهار تخلفات اعم از مدنی و کیفری داشته باشد. در عین حال، باید بخاطر داشت که توسعه روابط اقتصادی بین دول عامل تأثیرگذار دیگری است که ضرورت بسترسازی برای تصویب قوانین پاسخگو و توسعه قضایی در ساختار نظام‌های اقتصادی مذکور را بیش از پیش عیان نموده است. براینکه چنین شرایطی پذیرش یک نهاد وکالت مستقل و حفظ امنیت دفاع و تضمین امنیت دفاع است که به نهاد وکالت اجازه داده می‌شود موازی با تحرک مثبت تقنینی-قضایی در نهادینه کردن جلوه‌های عدالت قضایی نیز نقش آفرینی کند.

بدین ترتیب، در اوضاع و احوال کنونی کشور برخی از اقدامات و موضع‌گیری‌های مدیران و نهادها باعث ایجاد زمینه در افکار عمومی و بعضی از مسئولین جهت تعرض به نهاد مدنی وکالت و تردید در نقش وکیل به عنوان یکی از کنشگران عرصه عدالت قضایی گردیده است. براینکه چنین شرایطی ایجاد محدودیت در انجام امر وکالت و نارضایتی تصنعی از وکیل در جامعه و اعمال تضییقات فراوان در انجام وظایف وکلا گردیده است. در کنار این شرایط، تضعیف امنیت وکیل در حین دفاع و بعد از دفاع، زمینه تقلیل اثربخشی حضور وکیل در فرایند دفاع ایجاد نموده است. شایان ذکر است که تصویب تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری به عنوان یک قانون ضد دفاع و ضد عدالت قضایی باعث رانت برای برخی گردیده است و ثمره آن به حاشیه کشاندن اهمیت حضور وکیل در مراجع قضایی است و باید توجه داشت که تمسک به چنین شیوه‌ای نه تنها اهداف مورد نظر تدوین‌کنندگان چنین سیاست‌هایی را برآورده نکرده است، بلکه در عمل موجب تضعیف بنیه قضایی کشور و سلب و تقلیل اعتماد عمومی نسبت به نظام قضایی و کارآمدی در قضا و در نهایت کاهش توان حاکمیت در برقراری عدالت قضایی و اجتماعی گردیده است. این در حالی است که پذیرش استقلال نهاد وکالت به عنوان ثمره قهری وجود

یک نهاد مدنی و قبول اثربخشی آن در نظم سلامت قضایی می‌تواند تأثیرات مثبتی در نظم و سلامت قضایی داشته باشد.

امروزه مضمون نقدهایی که در داخل و خارج در پیوند با حقوق شهروندی، حقوق اساسی و حقوق بشر علیه نظام قضایی مطرح است، عدم حضور فعال و ایمن و مؤثر وکیل در فرایند دادرسی و دفاع از موکل است، که در این زمینه حضور وکلای حاکمیتی و یا خودی‌گزینش شده موجب شده است که هم مردم از انتخاب وکیل مورد نظر و مستقل محروم شوند و عموم وکلاء نیز از ارائه خدمات به موکلین که مشمول این رویکرد غیرقانونی هستند محروم شوند و هم تعداد محدودی از همکاران فرصت حضور در پرونده‌های ویژه را داشته باشند و یا آنکه وکلای وابسته به نظام قضایی از چنان استقلال و امنیتی برخوردار نگردند که بتوانند راست قامت و قانونمند در مراجع حضور دفاعی داشته باشند.

یکم، ضرورت دارد که در راستای اصل ۳۵ قانون اساسی استقلال نهاد وکالت مورد تأکید قرار گیرد و در طرحی که سال‌ها در فرایند تصویب قرار دارد ولی تا کنون به نتیجه نرسیده است به عنوان یک نهاد خودگردان، مستقل و در عین حال تحت نظارت قانون، به ارائه خدمت پردازد. دوم، با استرداد فهرست وکلای گزینشی امکان حضور به همه وکلاء در همه مراجع داده شود و این تبعیض غیرقانونی و ناعادلانه هرچه زودتر مرتفع گردد.

سوم، با ارائه طرح سه فوریتی تبصره اصلاحی ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری و تمام قوانین تضییعی را الغاء کنند.

چهارم، مراجع شبهه اختصاصی که موجب نقدهای فراوان گردیده است به سرعت حذف و روش قانونی رسیدگی به جرایم اعاده گردد.

پنجم، با ایجاد امکان تعامل بین نهاد قضاوت و وکالت در سطح مدیران مستقل این دو نهاد فضاسازی مناسب جهت تعامل فراهم آید و با ارائه آموزش به قضات، اعتبار مقام دفاع در کنار مقام قضا و برابری و جایگاه مساوی مورد تأکید قرار گیرد.

ششم، با الحاق نهاد موازی و کالت به کانون‌های وکلاء، فضای بی‌اعتمادی بین وکلای این دو سازمان که همه آنها فرزندان این مرز و بوم هستند از بین برود. هفتم، قوه قضائیه به جای دخالت در امر و کالت خود را مصروف بازسازی و اداره نهاد قضا کند و تنها نظارت قانونی خود را بر نهاد و کالت البتّه بدون دخالت اعمال نماید. طبیعتاً با قبول این پیشنهادها که در اسناد بین‌المللی از جمله بدیهیات و لوازم بنیادین برقراری یک نظام قضایی است، می‌توان شاهد رویکرد جدید نظام قضایی و تقنینی کشور باشیم.



منابع

الف. فارسی

- ابراهیمی، محمد؛ مقاله «اصول اساسی در نقش وکلاء» وبلاگ پژوهشکده باقرالعلوم (ع) pajoohi.ir
- انجمن کانون وکلای بین المللی <https://www.ibanet.org>
- پورعزت، علی اصغر. قلی پور، آرین؛ (۱۳۸۹) مقاله علمی پژوهشی «رابطه آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخگویی و شفافیت سازمانها» فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی سال دهم، شماره ۳۸.
- توسلی نایینی، منوچهر؛ (۱۳۸۵) مقاله «مصونیت‌های شغلی در حقوق ایران» نشریه حقوق اساسی، زمستان، سال چهارم شماره ۶ و ۷.
- جاوید، محمدجواد؛ شاه‌مرادی، عصمت؛ (تابستان ۱۳۹۶) مقاله «مطالعه تطبیقی تحولات حقوق بشری در قانون آیین دادرسی کیفری و اسناد بین المللی» مجله تحقیقات حقوقی شماره ۷۸ (علمی/پژوهشی ISI)
- حاج محمود عطار، پیمان؛ (۱۳۹۴) مصاحبه «اجرای ماده ۴۸ قانون جدید آ.د.ک خلاف حقوق شهروندی است» خبرگزاری دانشگاه آزاد اسلامی. (۳/۴/۱۳۹۴)
- حسینی، سید رضا؛ (۱۳۸۰) مقاله با عنوان «حق دفاع متهم» مجله دادرسی، مهر و آبان. شماره ۲۸.
- خادم، علی؛ (۱۳۹۳) مقاله با عنوان «نقش وکیل مدافع در دفاع» مجله کانون وکلا شماره ۹۵.
- رحیمی، عبدالوهاب؛ (۱۳۹۳) پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا با عنوان «بررسی حقوقی دفاعی متهم در لایحه آیین دادرسی کیفری و اسناد بین‌المللی»
- زراعت، عباس؛ (۱۳۸۳) مقاله «مصونیت شغلی وکلای دادگستری» مجله کانون وکلا شماره ۱۸۶ و ۱۸۷.

– زمانزاده بهبهانی، مهري؛ (۱۳۹۸) رساله دکتری با عنوان «اصول و مبانی دادرسی عادلانه و ضمانت اجرای آن از منظر فقه شیعه و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲» دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

– سایت تخصصی پرسمان دانشگاهیان www.porseman.com

– سرشار، محمود؛ (۱۳۳۳) «متن گزارش از پنجمین کنگره انجمن بین المللی کانون جهانیو کلاء در موناکو»، مجله کانون وکلا، آذر و دی، دوره اول، شماره ۳۹.

– طه، فریده و اشرافی، لیلا (۱۳۸۶) کتاب با عنوان دادرسی عادلانه، چاپ اول نشر میزان.

– کاتوزیان، امیرناصر؛ (۱۳۹۳) متن سخنرانی «نقش عدالت و انصاف در حقوق ایران» فصلنامه وکیل مدافع، بهار و تابستان، شماره ۱۲ و ۱۳.

– مؤذن زادگان، حسنعلی. (۱۳۷۳) رساله دکتری با عنوان «حق دفاع متهم در آئین دادرسی کیفری و مطالعه تطبیقی آن» دوره دکتری حقوق کیفری و جرمشناسی دانشگاه تربیت مدرس.

– محمد حُر عاملی، (۱۳۵۹)، (۱۴۰۱ هـ.ق)، وسائل الشیعه، ج ۱۸، چاپ پنجم، تهران، کتابخانه اسلامی.

– نجفی توانا، علی؛ (۱۳۸۵) مقاله با عنوان «دفاع از حق دفاع» مجله کانون وکلا، بهار و تابستان شماره ۱۹۲ و ۱۹۳.

– نجفی توانا، علی؛ (۱۳۹۸) مقاله با عنوان «تبصره ماده ۴۸؛ موانع تقنینی، قضایی و مدیریتی» مجله کانون وکلا، ویژه هفتاد سالگی مجله کانون وکلا شماره ۲۴۰.

– ویکی نبشته - میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی <https://fa.wikisource.org/wiki/>

– ویکیپدیا - کنوانسیون حقوق بشر اروپا <https://fa.wikipedia.org/>

ب. انگلیسی و فرانسوی

– Basic Principles on the Role of Lawyers ; (1990) Adopted by the Eighth United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, Havana, Cuba.

– European Convention on Human Rights (ECHR) (1953)

– Geneva Convention relative to the treatment of prisoners of war (1949)



- International Covenant on civil and political rights (ICCPR) (1966)
- Mole, Nuala. Harby, Catharina. Le droit à un procès équitable. Un guide sur la mise en œuvre de l'article 6 de la Convention européenne des Droits de l'Homme (2003)
- Universal Declaration of Human Rights (UDHR) (1948).